

نخستین کتاب و کتابخانه در تاریخ اسلام

غلامرضا فدائی

این مقاله به سمینار بین‌المللی کتاب و احیای تمدن شرق که در تاریخ ۶۹/۳/۲۹ در تاجیکستان شوروی برگزار شد تقدیم شده است.

توجه اسلام به کتاب و نگارش

باتوجه به عنایت خاصی که اسلام به علم و دانش داشته است و راه ————— هروزی و سعادت‌مندی را از آن علماء می‌داند، بدیهی است که توجه به کتاب به عنوان ابزار ارزشمند بسط و نشر علم هم در خور دقت است، علاوه بر اینکه معجزه پیامبر اسلام خود، کتاب است و کتاب اگرچه در همه ادیان آسمانی عنصر مقدس و ارزشمندی بوده ولی در اسلام از ویژگی خاصی برخوردار است، و به عنوان معجزه خالده این دین در اختیار مسلمانان است. لفظ کتاب، بارها در قرآن تکرار شده و سوره «حمد» به فاتحة الكتاب معروف است و دومین سوره قرآن در آغاز به کتاب اشارت دارد*. در این مورد به روایاتی چند اشاره می‌شود:

امام صادق فرمود: کتابهای خویش را نگهدارید همانا بزودی به آنها احتیاج پیدا خواهید کرد^۱.

انس از قول رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: هرگاه مؤمن پس از مرگ خویش تنها برگ کاغذی که بر روی آن علمی نگاشته باشد از خود بجای گذارد، آن ورقه در روز قیامت پوششی بین او و آتش خواهد بود و خدای بزرگ در جهان دیگر به هر حرفی که روی آن نوشته شده شهری که هفت برابر بزرگتر از دنیاست به او عطا خواهد کرد^۲.

— جریح از عطاء از عبدالله عمر نقل می‌کند که به رسول خدا (ص) گفتم: آیا علم را باید نگه داریم؟ فرمود بلی، گفتم چگونه؟ فرمود با نوشتن آن^۳.

هذلكالكتاب لارهب فيه هدى للمتقين (بقره، آیه ۲)
احتفظوا بكتبكم انكم سوف تحتاجون اليها (الذريعة، شيخ
آقابزرگ تهرانی، بحار، ص ۱۵۲)
المؤمن اذا مات و ترك و رقة واحدة عليها علم تكون نلك
الورقة يوم القيامة سترآ فيمابينه و بين النار و اعطاه الله تبارك
و تعالی بكل حرف مكتوب عليها مدينة اوسع من الدنيا سبع
مرآت (بحار ج ۲۰، ص ۱۴۴).
آقید العلم؟ قال: نعم، قيل و ماتقییده؟ قال کتابته.

رابطه با اعتقادات دینی خویش مبنی بر حفظ و نگهداری قرآن کریم از دستبرد حوادث روزگار و ثبت و ضبط آنچه از نبی مکرم اسلام (ص) می‌رسد خود را نیازمند ثبت و نگارش می‌دانستند، پیامبر اسلام آیات الهی را که بر او وحی می‌شد بر کاتبان قرائت می‌فرمود و آنان بر حسب وظیفه و به صورت مرتب آن را بر روی پوست، چوب، استخوان و هر آنچه در اختیارشان بود می‌نگاشتند و بر حفظ و نگهداری آنها مراقبت می‌کردند. پاره‌ای از اصحاب و کاتبان وحی چندین بار نوشته‌های خویش را بر پیامبر (ص) عرضه می‌کردند و بروی می‌خواندند و پیامبر خواننده‌های آنان را تصحیح می‌کرد و یا صحه می‌گذاشت. (۲)

مسلمانان هر چه از زمان پیامبر دورتر می‌شدند خود را به نگارش و ثبت و ضبط

• اکتب کما اسمع منک؟ قال نعم، قلت فی الرضا والفضب:
قال: نعم فانی لا اقول فی ذلک کلاما الحق (بحار ج ۲، ص ۱۴۷).

• سیدین طاوس در کشف الحجب، با اسناد خویش از جعفر طوسی، تا از مفضل بن عمر نقل می‌کند که ابوعبدالله امام صادق (ع) فرمود: اکتب و بث علمک فی اخوانک، فان مت فورث کتبتک بنیک فانه یأتی علی الناس زمان هرج مایا نسوته فیها لا یکتبهم (بحار ج ۲، ص ۱۵۰).

• روی ان رجلا من الانصار کان یجلس الی النبی (ص) فیسمع منه (ص) الحدیث فیعجبه ولا یحفظه فشیکی ذلک الی النبی (ص) فقال له رسول الله استعن بیمنک و اوما بیده، ای خط.

• عن ابی بصیر، قال سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول:
اکتبوا فانکم لا تحفظون حتی تسکتبوا (بحار ج ۲، ص ۱۵۲).

• وعنه علیه السلام، القلب یتکل علی الکتابه (بحار ج ۲، ص ۱۵۲).

• فی کتاب عاصم بن حمید عن ابی بصیر، قال: قال ابوعبدالله علیه السلام اکتبوا فانکم لا تحفظون الا بالکتاب (بحار ج ۲، ص ۱۵۳).

- عمرو بن شعیب از پدرش و او از جدش نقل می‌کند که گفتیم: یا رسول الله آیا آنچه را از تو می‌شنوم بنویسیم؟ فرمود بلی، گفتیم: چه در حال خشنودی و چه غضب؟ فرمود: بلی، همانا من در هر حال جز حق چیزی نمی‌گویم.*

- امام صادق علیه السلام فرمود: بنویس و علم خود را در بین برادران ایمانی خویش منتشر کن، پس چون مردی کتابه‌ای را فرزندانت ارث برند همانا زمانی بر مردم خواهد آمد که جز به کتب خویش با چیزی انس نگیرند.®

- مردی از انصار در خدمت رسول خدا (ص) می‌نشست و حدیث می‌شنید و او را خوش می‌آمد اما نمی‌توانست حفظ کند، از این موضوع به رسول خدا (ص) شکایت کرد، آن حضرت فرمود: از دستهای خود کمک بگیرد، اشاره به دستش کرد یعنی بنویس.®

- ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدیم که می‌گفت: بنویسید همانا حفظ نخواهید کرد تا اینکه بنویسید.◊

- و باز امام صادق فرمود: قلب بر نوشتن تکیه دارد.®

- و باز هم ایشان فرمود: بنویسید همانا حفظ نخواهید کرد مگر با کتاب و نوشتن.®

* * *

اگرچه در روزگاران قدیم، کتابت به اندازه حال گسترش نیافته بود و با سوادان و نویسندگان طیف وسیعی از جامعه نبودند، و آنها یکه خط می‌دانستند مقدارشان بسیار محدود بود، و با آنکه علایم و نقطه‌گذاری یا پدید نیامده و یا تکامل نیافته بود^(۱)، اما این مانع از آن نبود که به کتابت توجه نشود - مسلمانان بویژه در

وقایع نیازمندتر می‌دیدند و پایه‌های تکامل خط و نیز بهمراه حفظ و ضبط قرآن و آثار پیامبر و ائمه معصومین، برای کسب اطلاع و آگاهی از اندوخته‌های اقوام دیگر نیز تلاش وافر می‌نمودند.

وقتی پیامبر اسلام مردم را به فراگیری دانش ولو در کشور چین (ظاهراً دورترین نقطه محسوب می‌شد) فرا می‌خواند^(۳) و یا دانش‌آموزی را آنچنان وسیع و گسترده می‌داند که آغاز آن را گهواره و انجام آن را گور* طبیعی است که مسلمانان به دنبال کسب علم ولو در آسمانها باشد همت گمارند^۴ این بود که زمان خلفا بویژه خلفای عباسی توجه به علوم دیگر بلاد بویژه یونانیان، که در اصطلاح آن را علوم اوایل می‌گفتند، فراوان شد و نهضت ترجمه آغاز گردید.

گورگیس عواد در کتاب خزائن الکتب القدیمه فی العراق در این رابطه داستان جالبی را نقل می‌کند که شنیدنی است:

«مأمون به پادشاه روم نامه می‌نویسد و

پس از بحثهایی از او کتب حکمت ارسطاطالیس را طلب می‌کند، ملک روم هر چه تحقیق می‌کند اثری از آن کتابها در کشور خویش نمی‌یابد، اندوهگین می‌شود و می‌گوید خلیفه مسلمانان از من کتابهای پیشینیان ما را می‌خواهد، اما در یونان اثری از آنها نمی‌یابم، چه عذری می‌توانیم داشته باشیم و چه قدر و قیمتی برای من در نزد مسلمانان باقی خواهد ماند، آنگاه به جستجو و سؤال می‌پردازد تا اینکه یکی از رهبانان که در یکی از دیرهای دوردست قسطنطنیه زندگی می‌کرد به او می‌گوید، آنچه را می‌خواهی من می‌دانم، خانه فلان شخص

در فلان محل که هر پادشاهی بر آن قفلی زده است وجود دارد که براساس آنچه گفته می‌شود در آن اموال شاهان گذشته است و هر ملکی از ترس اینکه مبادا او را به سوءتدبیر متهم کنند و بگویند بخاطر سوءتدبیر به آن مخزن محتاج شد قفلی بر آن می‌زند. آنگاه راهب می‌گوید قضیه این چنین نیست بلکه در آنجا مجسمه‌ای است که یونانیان قبل از استقرار مسیحیت آن را می‌پرستیدند، ولی هنگامی که در زمان قسطنطین مردم به مسیحیت گرویدند، کتب حکمت را از بین مردم جمع کردند و در آن خانه نهادند و آن را قفل کردند و چنین شد که هر ملکی قفلی بر آن نهاد. آنگاه ملک با مشاوره اعضاء دست خویش، در آن خانه را گشود و کتابها را استخراج کرد و روانه دیار مسلمانان نمود... آنگاه مأمون مترجمان را احضار کرد تا آن کتابها را ترجمه کنند. این کتابها که به سمت مأمون روانه شد قسمتی از آنها کامل و بعضی ناقص بودند، پس از آن کتابهای یونانی بهمان صورتی باقی ماند که به خزانه‌الحکمه مأمون فرستاده شد»^(۴)

با آنکه مسلمانان براساس پرورش اسلامی به علم و دانش و کتاب و کتابت بی‌نهایت ارزش قائل بودند بگونه‌ای که جهان را از جهالت نجات داده و میراث بزرگ علمی اسلامی خویش را برای بشریت به ارمغان آوردند و وسیله انتقال علوم یونان به جهان امروز اروپا شدند، اما متأسفانه اکثر مشرقین این سهم عظیم و گرانسنگ

* اطلبو العلم من المهد الی اللحد. (حدیث).

○ لوکان العلم فی السماء لطلبوه رجال من الفرس (حدیث).

حادثه‌ای رخ می‌دهد و علمشان زایل می‌شود و نیز چنین استدلال کرده است که در کتاب می‌توان چیزی را کم و یا اضافه کرد و تغییر داد ولی کسی که حفظ می‌کند امکان ندارد که آن را تغییر دهد زیرا او از روی علم سخن می‌گوید و کسی که از نگارش سخن می‌گوید از گمان و نظر بحث می‌کند.^(۶)

دلیل دیگری هم در این مورد ذکر می‌کنند و آن اینکه اگر نگارش صورت می‌گرفت نوشته‌های قرآنی اشتباه می‌شد لذا پیامبر اسلام از نوشتن حدیث و جز آنها در زمان خویش نهی فرمود.^(۷)

به نظر می‌رسد چنین سخن و استدلالی با اصل معارف قرآن معارض است، زیرا خدا در قرآن در پایان سوره بقره چنین می‌فرماید:

«ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین سند و نوشته در میان باشد و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که خدای به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد و مدیون امضاء کند...»^(۸)

در جایی که قرآن مجید نسبت به مسائل دنیوی تا این اندازه تأکید بر نوشتن دارد و امر می‌کند که بنویسد و تقوا پیشه کنید و خدا نوشتن به شما آموخته است، بدیهی است نسبت به مسائل اخروی و امور مهمه‌ای که به دین و دنیا و سعادت بشری ارتباط دارد به طریق اولی تأکید دارد.^(۹)

ثانیاً همانطور که گفته شد پیامبر اسلام (ص) عده‌ای را به نام کتاب وحی انتخاب و به کتابت امر کرد در حالی که آنها می‌توانستند به خوبی قرآن را حفظ

مسلمین را نادیده می‌گیرند و به هنگام تاریخ‌نویسی از یونان شروع می‌کنند و خلافت قرون وسطی را با یک پرش و جهش طی می‌کنند و به رنسانس می‌رسند و ذکری از اهمیت کار مسلمانان یا به میان نمی‌آورند و یا به چند جمله‌ای محدود اکتفا می‌کنند. استاد زرین کوب در کتاب تاریخ در ترازو چنین می‌گوید:

«آنچه اروپاییان را از برخورد صحیح با وقایع تاریخی باز می‌دارد، تصور اروپایی اوست از تاریخ و تاریخ جهانی و اینکه تاریخ فقط تاریخ اروپاست»^(۵)

رفع یک شبهه

در این جا رفع یک شبهه بی‌مناسبت به نظر نمی‌رسد و آن اینکه آیا پیامبر بزرگوار اسلام مسلمانان را از کتابت منع کرده است؟ حاجی خلیفه در کتاب ارزشمند کشف‌الظنون چنین می‌گوید:

«بدان که صحابه و تابعین به برکت وجود پیامبر و نزدیکی و همزمانی با او وقت اختلاف و وقایع نیازی به تدوین کتب نداشته تا جایی که بعضی‌ها نسبت به آن کراهت داشتند و به روایتی از ابوسعید خدری استدلال کرده‌اند که از رسول خدا (ص) برای کتابت اجازت خواست و پیامبر او را اذن فرمود و فرمود همانا پیشینیان شما با کتابت گمراه شدند و نیز روایت کرده‌اند که شخصی به خدمت ابن عباس رسید و گفت کتابی نوشته‌ام و می‌خواهم آن را بر تو عرضه کنم او کتاب را گرفت و با آب شست و وی پس از اعتراض چنین جواب شنید اگر اعتماد بر کتابت کنند همانا گرد حفظ نمی‌گردند و آنگاه بر کتاب خدا عارضه و

کنند و براین امر هم رغبت فراوان داشتند. علاوه بر آن حضرت در پایان زندگی خود قلم و دوات طلب می کند تا مطلب مهمی را برای امت خویش بنویسد تا آنان از آن پس گمراه نشوند! (۱۰)

ثالثاً گفتار ابن عباس که چنین استدلال می کند که ممکن است بر کتاب حوادثی رخ دهد و دانش بدون حفظ از بین رود باید عکس آن نیز گفته می شد که ممکن است برای عالم و حافظ هم حوادثی رخ دهد و بمیرد و علمش با خودش مدفون شود و خطر و امکان وقوع این برآستی بیشتر است! (۱۱)

رابعاً چنانچه این روایت از ابن عباس صحیح باشد با روایات متعدد دیگر که از طرق عامه و خاصه رسیده و امر به کتابت کرده اند معارض است و ما نیازی به اتباع آن نداریم. (۱۲)

خامساً روایت ابوسعید خدری دلالت بر منع مطلق کتابت نمی کند و بر فرض صحت، ناظر به موقعیت و مورد و شرایط خاصی بوده و نمی تواند عمومیت داشته باشد. (۱۳)

سادساً، صاحب کتاب کشف الظنون، بلافاصله در فرازهای بعدی گفتار خویش استدلال خود را نقض می کند و چنین می گوید: آنگاه بخاطر گسترش اسلام، وسعت محدوده جغرافیایی، پراکندگی صحابه در شهرها، حدوث فتنه‌ها، اختلاف آراء و کثرت نظرات و فتاوا و مراجعه به بزرگان در این مورد دانشمندان به تدوین حدیث و فقه و علوم قرآن آغاز کردند و به نظر و استدلال و اجتهاد و استنباط و تمهید قواعد و اصول و ترتیب ابواب و فصول و طرح مسائل دلائل آن و جواب شبهات و

تعیین اوضاع و اصطلاحات و تبیین روشها و اختلافات همت گماشتند و این برآستی مصلحت بزرگ و فکری صواب بود، پس بزرگان این امر را مستحب بلکه واجب دانستند و این وجوب را از قول معصوم اخذ کرده اند که فرمود: علم صید است و کتابت بند و قید است. خدا شما را بیامرزد، علوم خویش را با کتابت ببندید و حفظ کنید.* نامبرده در ذیل علم الحدیث هم اشاره دارد که «بخدا قسم کتابت اصل است زیرا، خاطر غفلت می کند و قلم حفظ می کند. (۱۴)

اولین کتاب و اولین کتابخانه در اسلام

در ذهن نقاد و جستجوگر انسان، معمولاً اولینها در هر رشته و موضوع، جاذبیت خاصی دارد. این بدان علت است که انسان علاقه دارد بداند اولین کسی که کاری را انجام داده و یا سخنی را گفته و یا سنت نیکویی را برجای گذاشته که بوده است. به عبارت دیگر اگر دانستن تاریخ و سرگذشت زندگی انسان برای انسان موضوعیت داشته باشد که دارد، طبعاً آغازگران در هر رشته و کاری جایگاه خاصی خواهند داشت. همیشه اولینها به عنوان نقطه عطفی در تاریخ یک موضوع حائز اهمیت است و سرآغاز فصل جدیدی در آن زمینه خواهد بود.

از این گذشته توجه به اولینها در هر مورد خود یک نوع ارزشگزاری و پاسداری از یک موضوع است. روایت است که هر کس سنت نیکویی از خود بجا گذارد برای او اجر آن عمل و اجر کسانی که تا روز قیامت به آن

* العلم صید و الکتابه قید، قیدوا رحمکم الله تعالی علومکم بالکتاب (کشف الظنون، مقدمه).

عمل کند خواهد بود* بنابراین دانستن اینکه کسانی که به نحوی در تکامل تمدن بشری سهم داشته‌اند و با تلاش خود بر گنجینه ذخایر انسانی چیزی قابل توجه افزوده‌اند، خود دارای ارزش و اهمیت است. علاوه بر آن دانستن، ذکر کردن و ثبت نمودن هر اثر به نام فرد حقیقی و حقوقی‌ای که موجد و مبدع آن است خود تشویق به امر خیر است و تقدیر از کارنیک و نیکوکار و کمترین سپاسی است که جامعه بشری به بنیانگذاران خیر و نیکی تقدیم می‌کند و در این رابطه چه مسأله‌های مهمتر ارزشمندتر از کتاب و کتابخانه که سهم مؤثر و والایی در ساختمان تمدن بشری داشته‌اند.

خطیب بغدادی هم نقل کرده و باز گفته شده ربیع بن صبیح متوفای ۱۶۰ هجری قمری و ابومحمد رامهرمزی هم آن را می‌گوید: سپس سفیان ثوری و محمد بن فضیل بن غزوان در کوفه و حماد بن سلمه و روح بن عباده در بصره و هشیم در واسط و عبدالله بن مبارک در خراسان نام برده شده‌اند. و منظور نظر آنان از تدوین، ضبط مشکلات قرآن و حدیث و معانی آن دو بوده است و پس از آن چیزهایی به عنوان وسیله برای شناخت مشکلات قرآن و حدیث را تدوین کرده‌اند. (۱۵)

از آنجا که مسلمانان پس از کلام خدا بیشترین اهتمام را نسبت به جمع‌آوری و ضبط احادیث داشتند، لذا اولین کتب و نگارش‌ها مربوط به حدیث و آثار مربوط به آن است. ابن‌اثیر در نهایه بعد از ذکر اینکه اصحاب نیازی به تدوین غریبالحدیث نداشتند زیرا آنان به لغات آگاهی و علم داشته‌اند می‌گوید: پس از اختلاط عجمها آنان در این رابطه به تدوین پرداختند. (۱۶) صاحب کشف‌الظنون در ذیل ماده الحدیث کلامی از بعضی از بزرگان نقل می‌کند که عبدالملک بن جریح و مالک بن انس، اولین کسانی بوده‌اند که کتابت کرده‌اند و چنین نقل قول می‌کند که گویا کتاب ابن‌جریح و موطأ مالک از اولین کتب تصنیف شده هستند. (۱۷)

ابن شهر آشوب از قول غزالی در کتاب معالم العلماء چنین گفته است «اولین کتابی که در اسلام تصنیف شده کتاب ابن جریح

اولین کتاب در اسلام و پدید آورنده آن
شک نیست که وقتی سخن از پدید آورنده اولین کتاب به میان می‌آید اشاره به کتابهایی است که توسط بزرگان اسلام نوشته شده است و این اعم از این است که آن کتابها هم اکنون موجود باشند و یا دست‌تداول زمان آنها را از بین برده باشد و نیز اعم از این است که آن کتابها از شهرت کافی برخوردار باشند و یا شهرت نداشته باشند، زیرا سخن در اولین‌هاست و این مسأله ایجاب می‌کند که حق کسانی که در این زمینه پیش‌قدم بوده و زحمت کشیده‌اند ضایع نشود. که الفضل للمتقدم.

صاحب کشف‌الظنون در این رابطه می‌گوید: گفته شده عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریح بصری متوفای ۱۵۵ هجری بوده و یا ابونصر سعید بن ابی‌عرویه متوفای ۱۵۶ هجری که هر دوی آنها را

* من سن سنة حسنة فله اجره و اجر من عمل بها الی یوم القیامة.

این نکته حائز اهمیت است که آیا قرآن و جمع‌آوری آن را باید به حساب اولین کتاب گذاشت و یا احادیث و جمع‌آوری آن و

* منابعی که کتاب جامعه را ذکر نمودمانند به قرار ذیل اند:

۱- اختیار رجال کثی تحت عنوان «سورق‌بن کلب» به شماره ۲۴۰، ۲- در مجلدات کافی در جلد اول تاهفتم بنا بر استخراج آقای سید مرتضی عسکری در بیش از ۲۹ حدیث، ۳- در کتاب تهذیب در ۲۱ حدیث، ۴- در صحیح بخاری در کتاب الدیات والعلم، ۵- در سنن ابن ماجه ج ۲، حدیث شماره ۲۶۵۸، ۶- در مستند احمد بن حنبل جلد اول، ص ۱۵۱، ۷- در کتاب بصائر الدرجات در صفحات ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۲ و ۱۶۵.

این صحیفه در اختیار ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده است و هریک آن را به هنگام وفات به عنوان میراث به دیگری می‌سپرد و گروهی از تابعین و جمعی هم پس از تابعین آن را دیده‌اند که از آن جمله‌اند:

۱- ابو جحیفه وهب ابن عبد الله سوائی، ۲- حارث بن سوید ابو عایشه تیمی، ۳- قیس بن عباد، ۴- مالک بن حارث نخعی اشتر، ۵- ابو بصیر لیث مرادی، ۶- محمد بن مسلم ثقفی، ۷- عبد الملک بن اعین شیبانی، ۸- زرارة بن اعین. (کیهان اندیشه بشماره ۲۰ ص ۵۵-۵۸).

در اینجا بنابه رعایت اختصار، از ذکر جزئیات کتاب جامعه یا صحیفه علی علیه‌السلام خودداری می‌شود لیکن این مطلب با تفصیل کامل در احادیث و روایات اهل تسنن و تشیع مطرح شده است.

بدون شک کتابهای نوشته شده بسیار جلوتر از سال ۱۵۵ هجری است که بعضیها ذکر کرده‌اند.

این شهر آشوب در کتاب معالم‌العلماء از شیخ مفید نقل کرده است: «امامیه از زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا زمان حضرت عسکری چهارصد کتاب به نام اصول تألیف کرده‌اند» البته تألیف شیعه بیش از این است ولی چهارصد کتاب از آن به عنوان «اصل» تلقی شده است و گویند اصل عنوانی است که بر بعضی کتب حدیث صدق می‌کند و یا اصل آن است که مجرد قول معصوم باشد، به‌خلاف «کتاب» که هم قول معصوم است و هم قول صاحب کتاب. پارهای گفته‌اند اصل به‌معنای کتاب معتبری است که از کتاب دیگری مأخوذ نباشد، بعضی گویند: اصل نسخهای است که آنچه در آن نقل شده همه مسموع از معصوم علیه‌السلام باشد یا کسی که از او نقل کرده باشد ولی میباید باشد و از استدلال و استنباط عقلی یا شرعی خالی نباشد. باز گفته‌اند، اصل عنوان خاصی است برای بعضی کتب حدیث در مقابل آن کتاب عنوانی است برای مطلق تألیفات اعم از اصل (رک: الذریعه، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۲۵). کیهان اندیشه شماره ۱۴، ص ۴۸.

در آثار و حروف التفاسیر از مجاهد و عطادر مکه است. سپس معمر بن راشد صنعانی در یمن، آنگاه کتاب موطأ مالک بن انس، و پس از آن جامع سفیان ثوری است. وی سپس چنین اضافه می‌کند: صحیح این است که اولین کتاب که در اسلام تصنیف شده مربوط به امیر المؤمنین علی علیه‌السلام است که کتاب خدا را جمع‌آوری کرد، سپس سلمان فارسی، آنگاه ابوذر غفاری، بعد از آن اصیغ بن نباته، سپس عبدالله بن ابی رافع^(۱۸) و در آخر صحیفه کامله سجادیه امام زین‌العابدین است. (۱۹)

ثقیلاً لاسلام تبریزی صاحب کتاب مرآت الکتب از این شهر آشوب هم فراتر می‌رود و چنین می‌گوید: «در این جا باید کتابهایی ذکر شود که نسبت به کتبی که این شهر آشوب نقل کرده است اولی است و از آن جمله است کتاب علی علیه‌السلام که بنا بر استفاده اخبار به املاء شخص رسول خدا (ص) و به خط علی علیه‌السلام بوده است. (۲۰)

آقای علی اکبر غفاری می‌گوید: نخستین کتابی که در طول تاریخ حدیث در خصوص حدیث و روایت تدوین شده است کتاب «جامعه» یا «صحیفه» است که به املاء رسول خدا و به خط حضرت علی علیه‌السلام بوده است.^(۲۱)

ابن ندیم، کتاب سلیم بن قیس متوفای ۹۰ هجری را اولین کتاب شیعه می‌داند و قاضی بدرالدین سبکی هم در کتاب محاسن الوسائل فی عدد الاوائل می‌گوید: اولین کتابی که برای شیعه نوشته شده کتاب سلیم بن قیس هلالی بوده است.^(۲۲)

اولین کتابخانه در اسلام

در واقع تعیین اولین کتابخانه‌ای که در اسلام رسماً افتتاح و با شروع بکار کرده است کار دشواری است. زیرا در دوران تمدن اسلامی کتابخانه‌های فراوانی اعم از عمومی، اختصاصی و شخصی و آموزشگاهی بوده و پاره‌ای از آنها از شهرت و عظمت فراوانی برخوردار بوده‌اند و شاید اهمیت و عظمت برخی از کتابخانه‌ها سبب شده که تحقیق بر روی اولین‌ها کمتر صورت گیرد.

خلفای بنی‌عباس از بزرگترین مشوقان در زمینه تأسیس کتابخانه بوده‌اند. آنان مدارس را برپا کردند و کتابخانه‌های نفیسی برای آنها ایجاد نمودند. از آنجا که خلیفه خود علاقمند به شرکت در مجالس علم بود، سعی میکرد که خود نیز از علوم و فنون بهره‌ای داشته باشد و بر گرد خود دانشمندان، ادیبان و شاعران را جمع کند و آنان را بنوازد. (۲۴).

قلقشندی گوید: «گفته می‌شود بزرگترین کتابخانه‌ها در اسلام سه تا بوده‌اند: اولی آن کتابخانه خلفاء بنی‌عباس در بغداد است که در آن کتب فراوانی وجود داشت و از نظر نفاست هم بمانند بود و این کتابخانه تا زمان هجوم مغولها به بغداد بر سرپا بود. سپس از دو کتابخانه دیگر سخن به میان می‌آورد و آن دو را کتابخانه فاطمیون در مصر و کتابخانه خلفاء بنی‌امیه در اندلس می‌داند. (۲۵)

در سال ۱۰۶۴ خواجه نظام‌الملک در نظامیه بغداد کتابخانه عظیمی به سلیقه اشاعره و صوفیه برای دانشجویمان و روشنفکران تأسیس کرد که بودجه آن به

احیاناً تفسیر و یا تفاسیری که بر قرآن نوشته شده جزو اولین کتابها محسوب می‌شود؟

به نظر می‌رسد در هر دو صورت باز اولین نویسنده کتاب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بوده است. در اینجا نظر آقای ثقفی‌الاسلام تبریزی در این مورد قابل توجه است، وی پس از بحث مفصل و طولانی که درباره یکایک کتب نگارش شده در زمان رسول خدا و نیز بعد از آن حضرت دارد و نقل اقوال بزرگان شیعه و سنی در این زمینه چنین اظهار نظر می‌کند:

حاصل کلام این است که کتب تصنیف شده در عهد پیامبر اکرم (ص) کتاب علی و جامعه، اگر جزئی از کتاب علی نباشد و کتاب دیات و فرائض- اگر این دو نیز جزئی از کتاب علی نباشد و جفر- اگر آن را موضوعاً جزو کتب بدانیم و کتاب ابن حزم یعنی کتابی که پیامبر برای او فرستاد می‌باشد و اما کتابهای تصنیف شده بعد از پیامبر اسلام، مصحف فاطمه، کتاب سلمان و ابوذر، اصیغ بن نباته و کتاب ابورافع و علی و عبیده دو فرزندش و آنچه را که ابوالاسود دؤلی در نحو جمع نمود و کتاب سلیم بن قیس و کتاب میثم تمار و کتاب صحیفه سجاده می‌باشد. و اما قرآن کریم، اگر آن را جزو مصنفات بشمار آوریم- اگر منظور قرآنی است که نزد ائمه علیهم‌السلام است پس جمع‌آوری و تألیف آن بعد از وفات پیامبر اسلام است و اگر منظور قرآن بطور مطلق است پس آن در عصر و زمان خود پیامبر اسلام تألیف شده و قرآنی هم که در نزد ماست در زمان عثمان بعد از وفات پیامبر اسلام جمع‌آوری شده است. (۲۳)

مساجد و مدارس ساخته شد کتابخانه‌ها نیز به نوعی در کنار آنها پدید آمده است.

«کتابخانه‌ها بیشتر در مسجد و نهادهای آموزشی وجود داشتند و چندان فراوان بودند که به سختی می‌توان مسجیدی یا بنیاد علمی بی‌داشتن کتابخانه‌ای در دسترس دانشجویان پیدا کرد. بدینسان گروه‌های گوناگونی از گونه‌گون لایه‌های اجتماعی از این فراهم شده بهره می‌گرفتند.» (۲۸)

و نیز «کمتر مدرسه‌ای در عراق، خراسان و سوریه و مصر پیدا می‌شد که کتابخانه نداشته باشد و به سختی می‌توان تک مدرسه‌ای بی مجموعه کتابخانه یافت. ارزش آن کتابخانه به توانمندی مالی خود مدرسه بستگی داشت.» (۲۹)

در استقراء از مدارک اسلامی چنین بر می‌آید که سرزمین عراق بیش از سایر بلاد اسلامی منهای مشرق زمین و خراسان دارای مدارس و نیز به تبع آن کتابخانه بوده است. جدول زیر بخوبی این نکته را روشن می‌کند. (۳۰)

در خراسان و ماوراءالنهر پیش از سال ۲۹۵ هجری / ۹۰۷ میلادی.

در عراق پیش از سال ۴۵۷ هجری / ۱۰۶۴ میلادی.

در شام پیش از سال ۴۹۱ هجری / ۱۰۹۷ میلادی.

در مصر پیش از سال ۵۳۲ هجری / ۱۱۳۷ میلادی.

در حجاز پیش از سال ۵۷۹ هجری / ۱۱۸۳ میلادی.

در تونس پیش از سال ۶۴۷ هجری / ۱۲۴۹ میلادی.

یک میلیون و پانصد و چهل هزار فرانک طلا می‌رسید. خلیفه مستنصر بالله عباسی در سال ۱۲۳۳، کتابخانه بزرگی برای ملل و نحل مختلف شرق بغداد بنیان نهاد که صدها کتابدار و صدها هزار جلد کتاب خطی در آن وجود داشت و اکنون حتی صدیک آن باقی نمانده است. تعداد کتابخانه‌های خصوصی نیز بسیار بود. این کتابخانه‌ها از جهاتی به انجمنهای جدید انگلیسها شباهت داشت، زیرا — مراجعه‌کنندگان می‌توانستند خارج از محیط کتابخانه به شطرنج‌بازی و صرف نوشتابه نیز مبادرت کنند. شماره روشنفکران بغداد در آن زمان به یک جمعیت شهر می‌رسید. (۲۶)

نام و شماره تعدادی از کتابخانه‌های بزرگ در تمدن اسلامی به اختصار به این شرح است: (۲۷)

بیت الحکمه بغداد، با ۴/۰۰۰/۰۰۰ جلد کتابخانه شاپور در بغداد، با ۱۰/۰۰۰ کتاب.

کتابخانه الحکمه در قرطبه، با ۴۰۰/۰۰۰ کتاب.

کتابخانه سلطنتی و خاندان سلطنتی در قاهره با ۱۰۰/۰۰۰ کتاب.

کتابخانه طرابلس شام با ۳/۰۰۰/۰۰۰ کتاب.

کتابخانه مراغه با ۴۰۰/۰۰۰ کتاب.

در تحقیق در مورد اولین کتابخانه باید گفت: از آنجا که کتابخانه معمولاً ابزار کار آموزش بوده و آموزش هم در اسلام همزمان با تأسیس مساجد آغاز شده و سپس در مدارس ادامه یافت، لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که از همان روزگار نخستین که

می‌رانده و اینک جزئی از ایران، افغانستان و روسیه شده است»^(۳۲)

بنابراین همچنانکه مدارس معمولاً جدای از مساجد نبوده‌اند^(۳۳) در سرزمین ماوراءالنهر و خراسان نسبت به سایر مدارس در سایر بلاد اسلامی سبقت دارد. کتابخانه‌ها هم در بلاد شرق باید زودتر از سایر بلاد اسلامی تأسیس شده باشد.

در یادنامه ادیب نیشابوری در مورد کتابخانه‌های مدارس مشرق زمین چنین آمده است: «چون در مدارس، کتابخانه‌ها از اموری بودند که در درس و بحث از آنها استفاده می‌شد، مؤسسان مدارس کتب بسیاری را وقف مدرسه‌ها می‌کردند. این کتابخانه‌ها در زمینه‌های مختلف علوم و فنون بودند و برای آنها ساختمانهای مخصوص و اطاقهای متعدد برپا کردند و خازنان و مشرفان و ناظران را بر آنها گماشتند. کثرت مخزنها و کتابخانه‌ها عنایت مسلمانان و عالمان و طلبه را نشان می‌دهد»^(۳۴)

دکتر ناجی معروف آنگاه به ذکر تعدادی کتابخانه‌های موجود در مشرق زمین می‌پردازد و مدعی است که همانند مدارس، اکثر آنها قبل و یا همزمان با ساخته شدن نظامیه بغداد تأسیس شده و از شهرت کافی برخوردار بوده‌اند.^(۳۵)

ابوحاتم بستی تمیمی از فقهای دین و حفاظ آثار و صاحب تألیفات فراوان متوفای ۳۵۴ هجری کتب خود را وقف و آنها را در خانه‌ای جمع کرد که یک نفر آن را اداره می‌کرد. ابوحاتم بستی کتب را تسلیم او کرد تا به هر که خواهد نسخه‌ای را بدهد بدون اینکه خبری را از مدرسه خارج نماید.^(۳۶)

در مغرب پیش از سال ۶۸۵ هجری/۱۲۸۶ میلادی.

در اندلس پیش از سال ۷۵۰ هجری/۱۳۴۱ میلادی.

براساس این تحقیق چنین معلوم می‌شود که سالها قبل از تأسیس نظامیه در بغداد، مدارس بزرگ و معتبری در مشرق زمین و سرزمین خراسان و ماوراءالنهر بوده است. سمرقند و بخارا از مراکز علمی و نیشابور از معاهد بزرگ اسلامی بوده که دانشمندان بزرگی در آن پرورش یافته‌اند. در زمینه مراکزی که برای مطالعه حدیث تعبیه شده بودند مرکز «دارالحدیث البسطامیه» و «دار السنن الصبغیه» حدود دو قرن و ثلث قرن قبل از اینکه «دارالحدیث النوریه» دمشق و حدود سه قرن پیش از آنکه «دارالحدیث الکاملیه» قاهره دایر باشد دایر بوده است.^(۳۱)

دکتر ناجی معروف در مقاله محققانه خویش چنین می‌نویسد:

«البته در نتیجه تحقیقات و بررسیهایی که من روی فنون چاپی و نسخه‌های خطی گوناگون انجام داده‌ام آشکار شده است که بعضی از مورخان و پژوهشگران از بخش مهمی از تاریخ جهان اسلام اطلاعات کافی ندارند و آن بخش عبارت از سرزمینهای شرقی اسلامی است که مدتها عرصه نمایش شگفت‌انگیزی از فعالیتهای علمی اسلامی و مرکزی مهم برای فرهنگ اصیل عربی بوده است و هنوز هم از بیشتر آنها که در سرزمینهای فارس، خراسان، ماوراءالنهر قرار دارد آگاهی نداریم. و تمامی بلاد در قلمرو اقلیمهای خلافت اموی و عباسی بوده است و چند قرنی دمشق و بغداد بدانها حکم

در هر حال، با آنکه نویسنده مقاله مدارس قبل از نظامیه، مدعی است که قبل از نظامیه در نیشابور و ماوراءالنهر هم مدارس دائر بوده و هم کتابخانه‌های آن و دست کم حدود ۳۳ مدرسه را نام می‌برد (۳۷) اما اکثر آنها را از نظر تاریخی قبل از سال ۴۰۰ هجری می‌شمارد. البته این که دقیقاً چه سالی هر یک از مدارس تأسیس شده‌اند کاملاً بر ما روشن نیست و نمی‌توان به ضرس قاطع بر روی تاریخ تأسیس آنها تأکید کرد. در عین حال نویسنده به نقل از تاریخ بخارا معتقد است که بیش از ۱۶۵ سال قبل از تأسیس نظامیه و مدرسه ابوحنیفه، اسماعیل بن احمد بن اسدبن سامان در گذشته به سال ۲۹۵ هجری/ ۹۰۷ میلادی مدرسه‌ای دائر داشته است که دانشجویان برای تکمیل مطالعاتشان به آنجا می‌آمده‌اند و در کتابخانه آنجا که اوقافی بر آن وقف شده بود به کاوش و تحقیق می‌پرداختند (۳۸)

علی‌الظاهر، بعد از شرق اسلامی، عمده‌ترین مرکز فرهنگی و پرسابقه‌ترین کتابخانه‌ها در عراق و شوق تحصیل و تدریس و بحث‌های علمی هم از نشاط بیشتری برخوردار بوده است. خلفای عباسی هم انگیزه کافی برای تشویق علماء و دانشمندان داشته‌اند. منصور دومین خلیفه عباسی که حدود بیست سال در بین سالهای ۱۵۸ - ۱۳۶ هجری خلافت کرد مشوق بزرگی در این رابطه بوده و خود کتابخانه‌ای هم داشته است. (۳۹)

گورگیس عواد در کتاب تاریخ کتابخانه‌های قدیمی در عراق، کتابخانه‌های موجود در عراق را در دوران تمدن اسلامی

به پنج بخش تقسیم می‌کند.

بخش اول: کتابخانه‌های خلفا در بغداد که در ذیل آن از کتابخانه‌های منصور، هارون الرشید به نام خزانه الحکمه و تعدادی دیگر از خلفا یاد میکند.

بخش دوم: کتابخانه‌هایی که به شاهان و سلاطین اختصاص دارد و در ذیل آن نام کتابخانه عضالدوله دیلمی، نورالدین ارسلان شاه و بدرالدین لؤلؤ در موصل و... اشاره دارد.

بخش سوم: کتابخانه‌های عمومی را یاد میکند و در آن کتابخانه‌های حیدریه در نجف، دارالعلم و کتابخانه وقف در موصل دارالکتب در بصره، دارالعلم در بغداد که کتابخانه شاپور هم نام دارد و کتابخانه مدرسه نظامیه و کتابخانه مشهد ابوحنیفه و کتابخانه مدرسه مستنصریه در بغداد نام می‌برد و این بخش از مفصل‌ترین بخشها است.

بخش چهارم: کتابخانه‌های وزراء را در عراق برمی‌شمارد و در ذیل آن از کتابخانه یحیی برمکی، ابن شاه مردان وزیر در بصره محمد بن عبدالملک زیات در سزمن رای و تعدادی دیگر یاد می‌کند.

بخش پنجم: کتابخانه‌های شخصی که به ترتیب از قرن دوم تا قرن هشتم آنها را معرفی می‌کند.

در میان اولین کتابخانه‌ها چه به تفکیک کتابخانه‌های عمومی و شخصی و یا بطور مطلق، عباراتی در کتاب «خزائن‌الکتب القدیمه فی العراق» هست که تصمیم‌گیری در مورد اولین کتابخانه را قدری مشکل می‌کند. البته درباره کتابخانه‌های بزرگی چون دارالحکمه هم بحث‌هاست که چه

در باره مدرسه ابوحنیفه چنین آمده است: «در کنار این مشهد، مدرسه عظیم و گرانقدری ساخته شده بود که اولین مدرسه‌ای است که در عراق در عصر اسلامی افتتاح شده... وهمانا این مدرسه در سال ۴۵۹ افتتاح شده است. (۴۴) و برای این مدرسه کتابخانه نفیس وارزشمندی بود که وقف دانشجویان علم بود. (۴۵)

ملاحظه می‌شود که هر دو مدرسه نظامیه و مشهد ابوحنیفه، عبارات «اقدام عهداً» و «هی‌اول مدرسه فتحت فی‌العراق» را دارا است و تأسیس هر دو در سال ۴۵۹ ذکر شده است مگر اینکه در ماههای سال با یکدیگر در افتتاح اختلاف داشته باشند. ابن‌اثیر دقیقاً این اختلاف را روشن نموده است.

«بنای مدرسه ابوحنیفه بغداد در صفر سال ۴۵۹ هجری آغاز و در همان سال افتتاح گردیده است، در صورتی که شروع بنای مدرسه نظامیه در سال ۴۵۷ هجری بوده و تاریخ افتتاح آن ذیقعدۀ سال ۴۵۹ هجری است؛ بدین ترتیب افتتاح مدرسه ابوحنیفه چند ماهی پیش از نظامیه صورت گرفته است.» (۴۶)

در مورد کتابخانه‌های وزراء در عراق گورگیس عواد در مورد یحیی برمکی چنین می‌نگارد:

«او یحیی بن خالد برمکی از مشهورترین رجال برامکه است، مهدی هارون الرشید را در نزد وی گذارد. هارون پس از بخلافت رسیدن او را مقامی رفیع داد تا اینکه بر او غضب کرد و به زندان انداخت تا در سال ۱۹۰ هجری فوت کرد. از اخبار چنین برمی‌آید که یحیی دوستدار ادب بوده و ادبا

کسی پایه‌گذار آن بوده است ولی عمدتاً آن را به هارون الرشید نسبت می‌دهند. (۴۰) از کتابخانه‌های خلفاء ظاهراً اولین آنها، از آن منصور خلیفه عباسی است که در سالهای ۱۵۸ - ۱۳۶ هجری خلافت داشته، با آنکه عده‌ای کهنترین کتابخانه در قلمرو اسلامی را به خالد بن یزید بن معاویه منسوب می‌دانند. (۴۱)

در مورد کتابخانه‌های عمومی، با بررسی کتاب ارزشمند «کتابخانه‌های قدیمی در عراق» نتایج زیر بدست می‌آید:

کتابخانه حیدریه نجف: این کتابخانه مزار شریف حضرت علی است و این مشهد از قدیمترین آثار اسلامی در عراق است که دارای شکوه و جلال خاصی می‌باشد و در آن قبر علی علیه‌السلام است. در ضمن این مشهد کتابخانه‌ای می‌باشد که از زمان‌های بسیار دور پدید آمده است. (۴۲)

در مورد کتابخانه مدرسه نظامیه بغداد گورگیس عواد در کتاب خویش جمله‌ای دارد که قابل توجه است، او در مورد این مدرسه چنین اظهار می‌دارد که «قدیمترین مدرسه‌ای است که ساخته شده».

«المدرسه النظامیه من اشهر مدارس بغداد واجلها شأناً واقدمها عهداً» (۴۳)

که با فرض مقارن بودن ساختمان مدرسه با کتابخانه خود موهم این قضیه است که اولین مدرسه اولین کتابخانه را هم در خود داشته است الا اینکه با توجه به اینکه نظام‌الملک در سال ۴۵۹ از ساختن مدرسه نظامیه فراغت یافت، با کتابخانه مشهد ابوحنیفه که آن نیز در همین سال ساخته شده است در تعارض خواهد بود.

نقل می‌کند که دال بر این است که وی دارای کتابخانه‌ای بوده است. او می‌گوید: ابو عبیده گفت ابو عمرو دانشمند این مردم به قراءات و عربیت و ایام عرب و سفر بوده و دفاتر او آنچنان زیاد بود که تا سقف خانه را می‌گرفت، او سپس از عقیده خود برگشت و آنها را سوزانید. (۴۹)

از آنچه که تاکنون گفته شد چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که صرف‌نظر از تاریخ تأسیس اولین مسجد و به همراه آن اولین کتابخانه که کاملاً مشخص نیست و هنوز به تحقیقات بیشتری نیاز دارد، کتابخانه‌های بلاد شرق در خراسان و ماوراءالنهر، قدمت بیشتری دارند و شاید کتابخانه مدرسه احمد بن اسد بن سامان در گذشته به سال ۲۹۵ هجری اولین کتابخانه باشد.

پس از آن کتابخانه‌های مشهد ابوحنیفه و نظامیه بغداد ممکن است در منطقه عراق به عنوان اولین کتابخانه باشند. زیرا که با اوصاف «اقدام عهداً» و «اول مدرسه فتحت فی العراق» موصوف شده‌اند. در مورد کتابخانه حیدریه نجف هم تاریخ دقیقی در دست نیست فقط با عبارت «منذ عهد بعید» متصف شده است.

در مورد کتابخانه‌های شخصی و اختصاصی اعم از دانشمندان و یا وزراء باید نخست از کتابخانه ابو عمرو یاد کرد که در تاریخ ۱۵۴ هجری فوت کرده است، آنگاه از کتابخانه یحیی برمکی که به سال ۱۹۰ هجری از دنیا رفته است سخن به میان آورد، با آنکه در بعضی از منابع کهنترین کتابخانه قلمرو اسلامی را به خالد بن یزید بن معاویه منسوب می‌دانند.

و شعرا را تکریم می‌کرده و به آنها عطایا و هدیه‌ها می‌داده است و به فرزندانش چنین می‌گفته است «بهترین چیزی را که می‌شنوید بنویسید و بهترین چیزی را که می‌نویسید حفظ کنید و بهترین چیزی را که حفظ می‌کنید باز گو کنید.» و از این ذوق لطیف و سخاوت نسبت به بزرگان علم و ادب چنین برمی‌آید که او کتابخانه‌ای ارزشمند داشته است. حافظ در این مورد خبر زیبایی نقل می‌کند: «موسی بن یحیی بمن گفت: در کتابخانه یحیی برمکی در خانه و مدارس او هر کتابی را که یافت می‌شد سه نسخه از آن وجود داشت.» (۴۷)

باتوجه به اینکه یحیی برمکی در سال ۱۹۰ هجری وفات کرده است تاریخ تأسیس کتابخانه او باید به قبل از سال ۱۹۰ هجری برگردد، بنابراین اگر مطلق کتابخانه و نه کتابخانه عمومی را در نظر بگیریم کتابخانه یحیی برمکی بر سایر کتابخانه‌هایی که ذکر آن رفت تقدم زمانی داشته است.

در مورد کتابخانه‌های شخصی با آنکه تعدادشان بسیار زیاد و غیر قابل احصا است باز بنا به قول گرگیس عواد، ابی عمرو بن علاء که در سال ۱۴۵ هجری در کوفه فوت کرده است حق تقدم داشته. و شرح حال مختصر او چنین است:

او زبان بن علاء بن عمار العریان المازنی البصری امام اهل بصره در نحو و لغت بود و یکی از قراء هشگانه و گویند ایرانی بوده است. یاقوت حموی نسب او را در اول شرح حالش ذکر نموده او در کوفه در بین سالهای ۱۵۴-۷۰ زندگی می‌کرده است. (۴۸)

اما در مورد کتابخانه او یاقوت قولی را

در پایان ذکر این نکته هم لازم است که در کتاب پایگاه محمدالندیم در کتابشناسی چنین آمده است: مسلم بن شهاب محمدالزهري متوفی ۱۲۴ هجری اولین کتابخانه در اسلام را بوجود آورده است او آنقدر یادداشت جمع کرده بود که زنش میگفت بخدا اگر سه زن دیگر داشتی، کمتر مرا آزار می داد تا این کتابها، خانم راثاشتلهرن مکنسن در کتاب بنیاد کتابخانههای اسلامی، وی را دارنده اولین کتابخانه مسلمانان می داند. (۵۰)

یادداشتها:

- ۲۱- تدوین حدیث، علی اکبر غفاری.
- ۲۲- کتاب سلیم بن قیس، ص ۸.
- ۲۳- مرآت الکتب، مقدمه.
- ۲۴- عواد، گرگیس، خزائن الکتب القدیمه فی العراق، ص ۱۰۱.
- ۲۵- همان مأخذ، ص ۱۰۳.
- ۲۶- زندگی مسلمانان در قرون وسطی، آدام متز، ترجمه استخری، ص ۲۱۳.
- ۲۷- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، ص ۸-۶۳۷.
- ۲۸- تاریخ آموزش، ص ۱۵۲.
- ۲۹- همان مأخذ، ص ۱۵۸.
- ۳۰- یادنامه ادیب نیشابوری، مقاله ناجی معروف، ص ۲۱۳.
- ۳۱- همان مأخذ، ۲۰۸.
- ۳۲- همان مأخذ، ۲۰۶.
- ۳۳- همان مأخذ، ۲۱۶.
- ۳۴- همان مأخذ، ۲۲۰.
- ۳۵- همان مأخذ، ۲۲۱.
- ۳۶- معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۵.
- ۳۷- یادنامه ادیب نیشابوری، ص ۲۲۲.
- ۳۸- همان مأخذ، ص ۲۰۶.
- ۳۹- خزائن الکتب القدیمه فی العراق.
- ۴۰- تاریخ آموزش در اسلام ۱۵۳/ خزائن الکتب القدیمه فی العراق، ص ۱۰۶.
- ۴۱- افشار، ایرج، کتابخانههای ایران و تعدادی از کتابخانههای قدیم، ص ۸-۵.
- ۴۲- خزائن الکتب القدیمه فی العراق، ص ۱۳۱.
- ۴۳- همان مأخذ، ص ۱۴۵.
- ۴۴- اول مدرسه فی العراق مدرسه امام ابی حنیفه، دکتر مصطفی جواد، بنقل از خزائن الکتب، ص ۱۵۱.
- ۴۵- همان مأخذ، ص ۱۵۱.
- ۴۶- کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۵-۵۴.
- ۴۷- خزائن الکتب القدیمه فی العراق، ص ۱۷۸.
- ۴۸- تاریخ قرآن کریم، ص ۳۴۱.
- ۴۹- معجم الادب، ج ۱۱، ص ۱۶۰.
- ۵۰- ساکت محمد حسین، پایگاه محمد الندییم در کتابشناسی.

- ۱- رک: تاریخ قرآن کریم، محمد باقر حجتی.
- ۲- همان، ص ۲۰۱ به بعد.
- ۳- محجة البیضا، ج ۱، ص ۲۱.
- ۴- عواد گرگیس، خزائن الکتب القدیمه فی العراق، ص ۱۰۷-۸.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، ص ۲۷.
- ۶- کشف الظنون، مقدمه، ص ۳۴.
- ۷- تاریخ قرآن کریم، ص ۲۰۲.
- ۸- سوره بقره، آیه ۲۸۱.
- ۹- ثقفا لاسلام تبریزی، مرآت الکتب، مقدمه.
- ۱۰- حدیث ثقلین.
- ۱۱- مرآت الکتب، مقدمه.
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۱، باب العلم.
- ۱۳- مرآت الکتب، مقدمه.
- ۱۴- کشف الظنون، ج ۱، ص ۶۳۷.
- ۱۵- کشف الظنون، ص ۳۴ مقدمه.
- ۱۶- مرآت الکتب، مقدمه.
- ۱۷- کشف الظنون، ص ۶۳۷.
- ۱۸- اسدالغابه، ج ۱، ص ۷۷.
- ۱۹- مرآت الکتب، مقدمه.
- ۲۰- همان مأخذ، مقدمه.
- ۲۱- رک: کیهان اندیشه شماره ۲۰، ص ۵۴، مقاله تاریخ